

گروه راهبردی - مرتضی فاخری - در روزگاری ساخت‌و‌امینت‌آبی به‌محور اصلی معادلات ژئوپلیتیک در غرب آسیا تبدیل شده‌است، بازگشت به کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱ نه صرفاً یک یادآوری تاریخی، بلکه واکاوی یک فرصت راهبردی برای ایران محسوب می‌شود. نیم‌قرن پیش، هنگامی که نمایندگان کشورها در ساحل نیلگون دریای اسپین‌گروهم آمدند تا اولین معاهده جهانی حفاظت از اکوسیستم‌ها را امضا کنند، کمتر کسی تصور می‌کرد که تالاب‌ها روزی به کانون مناقشات آبی و محور گفتگوهای توسعه پایدار تبدیل نشوند. کنوانسیون رامسر، با عبور از رویکرد سنتی حفاظت صرف، چارچوبی پویا برای «استفاده خردمندانه» از تالاب‌ها ترسیم کرد که امروز در ادبیات اقتصاد آبی و معیشت جوامع ساحلی معنایی دوچندان یافته‌است. باین‌حال، فاصله‌میان‌متن زیبای معاهده و واقعیت‌های میدانی در ایران، روایتی پر تنش از خشک‌یکند تدریجی سرمایه‌های طبیعی و فروپاشی زنجیره‌های معیشتی وابسته به آنها را رقم زده‌است.

به گزارش اقتصادسرآمد، ایران به‌عنوان یکی از بنیانگذاران این کنوانسیون، میراث‌دار گنجینه‌ای از اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی ارزشمند است؛ از جنگل‌های شناور حرا در سواحل خلیج‌فارس تا خورهای بکر مکران و تالاب‌های کاسپین. این پهنه‌های آبی، نه تنها زیستگاه گونه‌های منحصربه‌فرد پرندگان مهاجر محسوب می‌شوند، که قلب تپنده اقتصادهای محلی، کریدورهای حمل‌ونقل دریایی و سپرهای دفاعی در برابر توفان‌های سهمگین اقیانوسی به‌شمار می‌روند. اما امروز، این میراث مشترک در تالاب‌های فرامرزى چون هامون، قربانی مناسبات پیچیده سیاسی و در سواحل جنوبی، آماج توسعه ناپایدار صنعتی و نفتی شده‌است. تداخل حاکمیتی نهادهای متولی، خلأهای قانونی در اجرای تعهدات بین‌المللی و نادیده گرفتن دانش بومی جوامع حاشیه‌ی تالاب‌ها، چرخه‌ای از تخریب و فقر را بازتولید کرده که نه تنها با اهداف کنوانسیون رامسر، که با منافع ملی و امنیت زیستی ایران نیز در تضادی آشکار قرار دارد.

تالاب‌های دریایی و ساحلی؛ پیوندامنیت‌زیستی بااقتصاد آبی

اگر کنوانسیون رامسر را به مثابه یک سند ایستا و صرفاً حقوقی بنگریم، هرگز به ژرفای پیوندی که این معاهده میان زیست‌بوم‌های آبی و حیات انسانی برقرار کرده‌است، پی نخواهیم برد. تعریف موسس این کنوانسیون از تالاب‌ها، که نه تنها مرداب‌ها و باتلاق‌های آب شیرین، بلکه گستره وسیعی از اکوسیستم‌های دریایی همچون خورها، خلیج‌ها، جنگل‌های حرا و زیستگاه‌های علف‌های دریایی را دربرمی‌گیرد، مرزهای سنتی حفاظت را درهم می‌نوردد و پهنه‌های آبی ساحلی را به مثابه شریان‌های حیاتی یک ابر-ارگانیزم زنده معرفی می‌کند. در این نگاه، تالاب‌های دریایی جنوب ایران، از شادگان پهناور گرفته تا خورهای پیچ در پیچ بوشهر و هرمزگان، دیگر صرفاً عرضه‌های جغرافیایی نیستند، بلکه قلب تپنده اقتصادهای محلی و سپرهای دفاعی جوامع انسانی در برابر خشم اقیانوس و طوفان‌های سهمگین به‌شمار می‌روند. آن‌ها با تصفیه طبیعی آب، مهار ریزگردها، و خلق فرصت‌های شغلی پایدار در حوزه صیادی، آبرزی پروری و گردشگری ساحلی، مفهوم نوین «اقتصاد آبی» را از یک شعار انتزاعی به واقعیتی عینی و قابل لمس بدل می‌سازند.

اما امروز، این پیوند استراتژیک در پیچ‌و‌خام ناترازی منابع و



مصارف آبی، گرفتار تناقضی عمیق شده‌است. خشک شدن تالاب‌ها نه تنها سلامت و معیشت جوامع محلی را به مخاطره می‌اندازد، بلکه زنجیره‌ای از ناپایداری‌های اجتماعی را با خود به همراه دارد که امنیت ملی را نیز هدف قرار می‌دهد. معیشت صدها هزار نفری که بی‌واسطه به حیات این زیستگاه‌ها گره خورده‌است، در وضعیتی شکننده و بی‌دفاع، در برابر پس‌روی آب‌ها و کاهش حقایبه‌ها، رنگ می‌بازد و به مهاجرت و حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها می‌انجامد. این در حالی است که نقش فراموش شده دانش بومی و مشارکت جوامع محلی می‌تواند به عنوان بازویی توانمند در کنار مدیریت علمی و یکپارچه منابع آب، تاب‌آوری این اکوسیستم‌های ارزشمند را در برابر تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های ممتد افزایش دهد. پرسش اینجاست که آیا می‌توان از دل این بحران، فرصتی برای بازتعریف رابطه انسان و طبیعت آفرید و تالاب‌های دریایی را از حاشیه اقتصاد ملی به متن آن بازگرداند؟

حقوق واقتصاد فرامرزى؛ معمای هامون و ژئوپلیتیک تالاب‌های مشترک

در پیچیده ترین معادلات ژئوپلیتیک غرب آسیا، جایی که مرزهای سیاسی بر بستر منابع آبی فرامرزى ترسیم شده‌اند، تالاب هامون به مثابه نمادی زنده از پیوند ناگسستنی امنیت ملی، معیشت انسانی و دیپلماسی محیط زیستی خودنمایی می‌کند. کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، به عنوان نخستین معاهده جهانی حفاظت از اکوسیستمها، بر همکاری بین المللی برای مدیریت تالاب های مشترک تأکیدی ویژه دارد، اما معمای هامون در مرزهای شرقی ایران روایت گر فاصله ای عمیق میان آرمان های حقوقی این کنوانسیون و واقعیت های تلخ میدانی است. دیپلماسی آب ایران در سال های اخیر کوشیده است با تکیه بر معاهده ۱۹۷۲ رودخانه هلمند و برگزاری نشست های فنی و حقوقی با مقامات افغانستان، حقایه تاریخی این تالاب را پیگیری کند. با این حال، تجربه نشان داده است که توافقات دوجانبه بدون وجود سازوکارهای اجرایی فراملی و نهادهای نظارتی مستقل، در برابر تغییرات اقلیمی، خشکسالی های ممتد و اراده سیاسی کشور بالادست، تاب آوری چندانی از خود نشان نمی دهند. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران به تازگی از توافقات جدید با طرف افغان برای هدایت سیلاب ها به سوی هامون به جای نمک زار گودزره خبر داده است، اما تأکید کرده که جریان های مقطعی سیلابی نمی تواند جایگزین حقایه قانونی و پایدار در چارچوبی حقوقی و ساختار یافته شود. (خبرگزاری ایرنا؛ اظهارات شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۴)

در سوی دیگر جهان، نمونه های موفقی از همکاری فرامرزى برای حفاظت از تالاب های مشترک وجود دارد که می تواند چراغ راهی برای برون رفت از بنبست هامون باشد. دریاچه

پرسپا که میان آلبانی، یونان و مقدونیه شمالی مشترک است،

در سال ۲۰۲۵ میزبان مأموریت مشورتی رامسر شد؛ مأموریتی که با مشارکت جوامع محلی، شهرداران، دانشمندان و نهادهای بین المللی همچون برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و اتحادیه اروپا، به شناسایی نگرانی های مشترک در زمینه حکمرانی آب، حفاظت از تنوع زیستی و تقویت مناطق مدیریت شده پرداخت. این همکاری ریشه در توافقنامه ای دارد که وزرای محیط زیست سه کشور و کمیسر محیط زیست اروپا در سال ۲۰۱۰ امضا کردند و پیش از آن در سال ۲۰۰۰ به تأسیس نخستین منطقه حفاظت شده فرامرزى بالکان انجامیده بود. ابتکار منطقه ای ایندو-برما نیز با مشارکت کامبوج، لائوس، میانمار، تایلند و ویتنام، چارچوبی فرامرزى برای حفاظت از تالاب ها در برابر تغییرات اقلیمی و توسعه ناپایدار ترسیم کرده است. آنچه این تجارب را از وضعیت هامون متمایز می سازد، نه صرفاً وجود معاهده، که اراده سیاسی پایدار، نهادهای اجرایی فراملی، مشارکت جوامع محلی و پیوند دیپلماسی آب با منافع اقتصادی مشترک است. برای هامون، شاید زمان آن فرا رسیده که از الگوی صرفاً حقوقی و فنی فراتر رویم و با پیوند زدن احیای تالاب به همکاری های اقتصادی دریامحور و منافع ملموس توسعه در مرزهای دو کشور، معمای دیرپای شرق ایران را به فرصتی برای صلح و پایداری تبدیل کنیم.

دانش بومی در برابر تغییر اقلیم؛ درس‌هایی از تالاب‌های جهان برای ایران

شعار روز جهانی تالاب‌ها در سال ۲۰۲۶، «تالاب‌ها و دانش سنتی: پاسداشت میراث فرهنگی»، فرصتی مغتنم برای بازاندیشی در نسبت میان جوامع محلی و میراث طبیعی ایران زمین فراهم آورده است. این شعار که از سوی دبیرخانه کنوانسیون رامسر انتخاب شده، بر این حقیقت عمیق استوار است که تالاب‌ها نه صرفاً عرضه‌های جغرافیایی، بلکه بستر شکوفایی غم‌ریز فرهنگ‌ها، آیین‌ها و شیوه‌های زیستی منحصربه‌فردی هستند که طی قرن‌ها هم‌زیستی با طبیعت خلق شده‌اند. در جنوب ایران، از حاشیه‌ی تیزاب‌های شادگان تا خورهای بکر چابهار و جنگل‌های حرای قشم، دانش بومی همچون گنجینه‌ای زنده نسل به نسل منتقل شده‌است: شیوه‌های سنتی صیادی متناسب با چرخه‌های جزر و مد، فنون معماری بومی برای سازگاری با رطوبت و طوفان‌های دریایی، و روش‌های بهره‌برداری خردمندانه از نی‌ها و گیاهان تالابی. تجارب جهانی به روشنی نشان می‌دهد که پایداری تالاب‌ها در گرو مشارکت واقعی جوامع محلی و چلّی که این جوامع نه تنها آنها با یافته‌های علمی روز است، چرا که این جوامع نه تنها ذی‌نفع، که حافظان تاریخی این اکوسیستم‌های ارزشمند به شمار می‌روند.

تأمل در تجربه کشورهایی چون جامائیکا می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای سواحل مکران و دیگر تالاب‌های ایران باشد. این جزیره کارائیب با تکیه بر تنوع زیستی غنی و

«سرآمد» خلأهای قانونی کنوانسیون رامسر را بررسی می‌کند؛

بازتولید چرخه تخریب و فقر در حاشیه تالاب‌های ایران

از تعهد بین‌المللی تا عمل ملی در تالاب‌های فراملی

وجود دارد، اما تنها چیزی که نداریم هماهنگی است.» (ایسنا؛ ۲ بهمن ۱۳۹۷). نمونه دردناک این ناهماهنگی را می‌توان در تالاب هورالعظیم و استخراج نفت از آن مشاهده کرد؛ جایی که یک شرکت چینی برای کاهش هزینه‌ها، تالاب را خشکاند و از تجهیزات حفاری خشکی استفاده کرد. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت دولت چهاردهم، پس از هفده سال صراحتاً اعتراف کرد: «بله، تالاب را خشکاندیم، ما مردم خوزستان را اذیت کردیم. یک شرکت چینی برای اینکه هزینه‌های خود را کاهش دهد، از تجهیزات خشکی استفاده کرد و تالاب را خشکاند. این اتفاق باعث شد مردم خوزستان آسیب ببینند و ما مسئولیت آن را می‌پذیریم.» (فارس، ایران و تسنیم ۱۳ اسفند ۱۴۰۳). این فاجعه محصول هماهنگ نبودن نفت، محیط زیست و منافع ملی بود. تأمین حقایه تالاب‌ها نیز که به موجب قانون بر عهده وزارت نیرو گذاشته شده، در عمل با تعلل و اولویت‌دهی به مصارف کشاورزی و صنعتی مواجه است. رضا حاجی کریم، رئیس فدراسیون صنعت آب ایران نیز اخیراً اعلام کرده که «در حال حاضر ایران با بدهی ۱۵۵ میلیارد مترمکعب به آبخوارها ۴۷ میلیارد مترمکعب به تالاب‌ها مواجه است و رشد تقاضای آب همچنان ادامه دارد.» (روزنامه جام جم، ۵ بهمن ۱۴۰۴). با وجود تشکیل «ستاد هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور» در سطح ملی و تأکید بر کمیته‌های استانی به ریاست استانداران، همچنان فاصله عمیقی میان متن مصوبات و عمل میدانی وجود دارد. آنچه امروز بیش از هر چیز ضروری می‌آید، عبور از مدیریت بخش‌نامه‌ای و پر اکند، و حرکت به سوی ساختاری یکپارچه با اختیارات فرابخشی است؛ ساختاری که بتواند منافع متضاد دستگاه‌های اجرایی را در جهت پایداری تالاب‌ها و معیشت جوامع محلی که به آن وابسته‌اند، هماهنگ کند و ضمانت اجرایی مؤثری برای ایفای تعهدات ملی و بین‌المللی ایران فراهم آورد.

جمع‌بندی یافته‌ها

بررسی ابعاد چهارگانه جایگاه تالاب‌های ایران در پرتو کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱ نشان می‌دهد که این زیست‌بوم‌های ارزشمند با وجود برخورداری از پشتوانه حقوقی بین‌المللی و قوانین نسبتاً جامع داخلی، به دلیل مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و اجرایی با بحرانی عمیق مواجه‌اند. از یک سو، تالاب‌های دریایی و ساحلی جنوب علیرغم نقش بی‌بدیشان در تحقق اقتصاد آبی، معیشت جوامع محلی و تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی، در عمل قربانی توسعه ناپایدار صنعتی و نبود مدیریت یکپارچه شده‌اند. از سوی دیگر، تالاب‌های فرامرزى چون هامون به صحنه‌ای برای آزمون دیپلماسی آب بدل گشته‌اند که در آن، نبود سازوکارهای اجرایی فراملی و اراده سیاسی پایدار، احیای این اکوسیستم‌ها را با دشواری مواجه ساخته است. در این میان، شعار روز جهانی تالاب‌ها در سال ۲۰۲۶ با تأکید بر دانش سنتی، گنجینه‌ای از راهکارهای بومی را فراروی ما می‌نهد که می‌تواند در تلفیق با فناوری‌های نوین، الگویی برای توسعه پایدار سواحل مکران و سایر مناطق باشد. ریشه این بحران را باید در الگوی مدیریتی جست که با وجود انبوه دستورالعمل‌ها، از یکپارچگی لازم بی‌بهره و گرفتار تعدد متولیان ناهماهنگ است. بدین ترتیب، حلقه گمشده معادله حفاظت از تالاب‌های ایران نه در نبود قانون یا ناآگاهی از اهمیت آن، بلکه در فقدان اراده سیاسی برای ایجاد ساختاری یکپارچه با اختیارات فرابخشی و توانایی هماهنگ‌سازی منافع متضاد دستگاه‌های اجرایی نهفته است.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان ازنا-سری(۲۹۴) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ازنا مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد، در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند تا تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه محلی محل ارائه نکند اداره ثبت محلیات سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت منوط به مراجع متضرر به دادگاه نیست.

- تقاضای «مجتبی سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۸۱» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۹» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «مجتبی سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۵۷۸،۸۵» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۸» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «مجتبی سالاروند» فرزند «ترابعلی» رنسب به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۷۱،۸۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۷» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «جاوید سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۵۵،۵۵» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۶» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «جاوید سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۷۳۴،۲۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۵» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «جاوید سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۵۲،۶۶» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۷» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «حمید رضا سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۳۰۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۸» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «حمید رضا سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۱۰۶،۷۳» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۹» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «غلامرضا سالاروند» فرزند «ترابعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۳۶۶،۶۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۳۴» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ترابعلی سالاروند»
- تقاضای «معصومه پایی» فرزند «براتی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۹۴۰،۶۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۰۵۴» فرعی از «۳۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «لله قلی دهقان»

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۱۹) نوبت دوم: (۱۴۰۴/۱۲/۰۴) شناسه آگهی: ۲۱۰۹۰۶۰

سیدرضا بطحائی- رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ازنا

بدون شرح...



فریب‌عزیزی - اقتصاد سرآمد